

مقایسه آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان: مورد مطالعه زاهدان و تهران

© هادی برابری^۱ © دکتر بهاره آروین^۲

چکیده:

آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان متأثر از محیط‌های اجتماعی اند و بر وضعیت فعلی و دورنمای تحصیلی و شغلی آنها تأثیر می‌گذارند، از این رو شاخص مهمی برای ارزیابی نابرابریهای تحصیلی و شغلی به حساب می‌آیند. هدف از این پژوهش، شناخت آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان زاهدان و تهران به منظور مقایسه سطح و نوع این آرزوهاست. برای دستیابی به این هدف نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ نفر (۱۵۰ دانش‌آموز پایه یازدهم زاهدان و ۱۵۰ دانش‌آموز پایه یازدهم تهران) از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای با کنترل متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، سن و جنس انتخاب شد و پرسشنامه محقق‌ساخته آرزوهای تحصیلی و شغلی میان آنها توزیع شد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که آرزوهای تحصیلی دانش‌آموزان زاهدان به‌جز بحث تنوع و میزان مشخص‌بودن، تفاوت چندانی با آرزوهای تحصیلی دانش‌آموزان تهران ندارد، ولی این آرزوهای تحصیلی بالا نتوانسته‌اند موقعیتهای شغلی آرزویی متناسب با خود را ایجاد کنند، درحالی‌که این تناسب آرزویی برای دانش‌آموزان تهرانی کاملاً مشهود است. در زمینه آرزوهای شغلی، تفاوت معنادار میان آرزوهای دانش‌آموزان زاهدان و تهران هم از لحاظ نوع و هم از لحاظ سطح آرزوها وجود دارد و آرزوهای شغلی دانش‌آموزان تهران متنوع تر و مشخص‌ترند و سمت و سوی غالب این آرزوها، ناظر بر مشاغل با منزلت و درآمد بالاست. نتیجه آنکه در مقایسه آرزوهای دانش‌آموزان زاهدان و تهران آنچه اهمیت دارد و از آن می‌توان به منزله شاخص نابرابری یاد کرد نه ترجیح دانش‌آموزان برای حضور در دانشگاهها و مقاطع تحصیلی بالاتر بلکه نوع رشته و نوع شغل آرزویی آنهاست.

کلید واژگان: آرزوها، آرزوهای شغلی، آرزوهای تحصیلی، نابرابری تحصیلی، نابرابری شغلی.

☑ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۵

☑ تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۲۰

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. hadibarabari66@gmail.com

۲. (نویسنده مسئول) استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. bahare.arvin@modares.ac.ir

■ طرح مساله

آرزوهای تحصیلی^۱ و شغلی^۲ در متن و زمینه‌های گوناگون اجتماعی شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرند (چنگ^۳ و استارکس^۴، ۲۰۰۲؛ خطاب^۵، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴؛ بومن^۶، ۲۰۱۰؛ ری^۷، ۲۰۰۶). این تفاوت می‌تواند متأثر از ساختار فرصت‌های موجود باشد (بیکر^۸ و همکاران، ۲۰۱۴) یا ریشه در هنجارها و ارزش‌های جمعی داشته باشد (فرای^۹، ۲۰۱۲). از آنجایی که ساختار فرصت‌ها و نظام‌های ارزشی بر حسب جوامع از هم متفاوت است پس ما با تنوعی از آرزوهای تحصیلی و شغلی روبه‌رو هستیم. تنوعی که گفته شد، اهمیت ویژه دارد زیرا آرزوها اثری تعیین‌کننده بر مسیرهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان می‌گذارند (هارت^{۱۰}، ۲۰۱۲). بر اساس یافته‌های پژوهشی که گویون و هیلری^{۱۱} (۲۰۱۶) در فرانسه انجام دادند، هر چند شاخص‌های کمی چون منابع، فرصت‌ها و مسیرهای تحصیلی شغلی لازمه عدالت آموزشی و شغلی هستند، تحقق‌پذیری یا شرط کافی برای بروز و ظهور چنین عدالتی را باید در کیفیت آگاهی دانش‌آموزان نسبت به این منابع و امکانات، تعریفی که هر دانش‌آموز از قابلیت‌ها و توانایی‌های خود دارد و مسیری (تحصیلی و شغلی) که بر می‌گزیند، جستجو کرد. از این منظر، آرزوهای تحصیلی و شغلی محل بروز و تجلی چنین ویژگی‌هایی هستند.

درواقع، آرزوهای تحصیلی و شغلی به منزله شاخصی برای سنجش نابرابری تحصیلی و شغلی در نظر گرفته می‌شوند و سطح و نوع این آرزوها می‌تواند نشانگر سطوح مختلف نابرابری در جامعه باشد (هارت، ۲۰۱۲؛ بومن، ۲۰۱۰). نابرابری‌هایی که تنها از طریق تأکید روی شاخص‌های کمی چون سرانه فضاهای آموزشی، نسبت دانش‌آموز به معلم، نرخ ثبت‌نام دانش‌آموزان و توزیع امکانات آموزشی نمی‌توان به فهم آنها نائل شد. کمیت‌گرایی مطرح شده را می‌توان در غالب مطالعات انجام شده در حوزه نابرابری تحصیلی و شغلی مشاهده کرد (اسماعیل‌سرخ، ۱۳۸۰؛ کجوییان و آقاپور، ۱۳۸۵؛ کریمیان بستانی و رجبی، ۱۳۸۹؛ شیر کرمی و بختیارپور، ۱۳۹۳؛ زارع شاه‌آبادی و بنیاد، ۱۳۹۳؛ افقه و همکاران، ۱۳۹۴). نتیجه این‌که آرزوهای تحصیلی و شغلی به نوعی نشان‌دهنده میزان و نوع سرمایه‌گذاری افراد در حوزه آموزش و اشتغال اند (بیکر و همکاران، ۲۰۱۴؛ بومن، ۲۰۱۰؛ مکسول^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۶). ما حتی اگر

1. Educational aspirations
2. Occupational aspirations
3. Cheng
4. Starks
5. Khattab
6. Bowman
7. Ray
8. Baker
9. Frye
10. Hart
11. Guyon & Huillery
12. Maxwell

بتوانیم توزیع نابرابر امکانات آموزشی و شغلی را بر حسب مناطق گوناگون کشور به دست آوریم همچنان نمی توانیم به نتیجه گیریهایی در مورد آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش آموزان این مناطق برسیم، زیرا همان گونه که عنوان شد، آرزوهای تحصیلی و شغلی در متن و زمینه های گوناگون صورتهای متفاوت به خود می گیرند. بحث مقایسه آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش آموزان نیز ناظر بر همین تنوع در جنس و نوع آرزوها و نتایج متعاقب آن روی وضعیت تحصیلی و شغلی آنان است.

اکثر محققان برای تعریف و توضیح آرزوها از مفهوم مشابه و رقیب آن یعنی انتظارات^۱ کمک گرفته اند (جیکوب^۲ و وایلد^۳، ۲۰۱۰؛). انتظارات به آنچه افراد فکر می کنند در آینده برایشان اتفاق خواهد افتاد ارجاع دارد، در حالی که آرزوها مربوط به چیزهایی می شود که امید دارند در آینده به دست آورند (جیکوب و وایلد^۴، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، انتظارات ریشه در احتمالات دارد ولی آرزوها بیشتر تحت تأثیر اولویتهای ارزشی حاکم بر زندگی افرادند (کرک^۵ و همکاران، ۲۰۱۲). البته پژوهشهایی هم وجود دارند که در آن تمایز میان انتظارات آرزوها جای خود را به تمایز میان آرزوهای ایده آل گرایانه^۶ و آرزوهای واقع گرایانه^۷ داده است. در اینجا نیز محور بحث همان جایگاه واقعیت و احتمالات در آرزوهاست و فرض می شود با گذشت زمان آرزوها در برخورد با واقعیت جنبه ایده آل گرایانه خود را از دست داده و به سمت واقع گرایی نزدیک می شوند. نتایج اغلب پژوهشها نشان می دهند که از یازده سالگی به بعد عنصر احتمالات نقشی تعیین کننده در ساخت آرزوها بازی می کند (دوپریز^۸ و همکاران، ۲۰۱۲).

از نظر هارت (۲۰۱۲) افراد می توانند آرزوهایی در زمینه حوزه هایی متفاوت از جمله خانواده، محیط زیست، دین، اشتغال، تحصیل و غیره داشته باشند. هدف ما در این پژوهش پرداختن به آرزوهای حوزه تحصیل و اشتغال است.

در چند دهه اخیر به ویژه از دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به این سو تلاش بسیار برای مطالعه آرزوهای تحصیلی و شغلی شده است (دوپریز^۹، ۲۰۱۲؛ خطاب^{۱۰}، ۲۰۱۴؛ بیکر و همکاران، ۲۰۱۴؛ دومر^{۱۱} و برندن^{۱۲}، ۲۰۱۵؛ جیکوب و وایلد^{۱۳}، ۲۰۱۰). اغلب پژوهشهای اولیه نشان می دهند که طبقات پایین نسبت به طبقات بالای اجتماعی از سطح آرزوهای پایین تری برخوردارند. این امر یکی از عواملی است که منجر به موفقیت تحصیلی پایین برای این گروه از دانش آموزان می شود (گویون و هیلری، ۲۰۱۶). به مرور و با وسعت گرفتن دامنه پژوهشها در مورد آرزوهای تحصیلی و شغلی، در کنار طبقه اجتماعی روی عواملی دیگری چون

1. Expectations
2. Jacob
3. Wilder
4. Kirk
5. Idealistic aspirations
6. Realistic aspirations
7. Dupriez
8. Doumer
9. Brandon

سرمایه‌های اجتماعی قومی و خانوادگی، گروه‌های مرجع، محیط مدرسه، سرمایه فرهنگی و گروه همسالان نیز به منزله عوامل شکل‌دهنده این آرزوها تأکید شد (گویت^۱ و سییه^۲، ۱۹۹۹؛ هارت، ۲۰۱۲؛ مکسول و همکاران، ۲۰۱۶؛ خطاب، ۲۰۰۳ و ۲۰۱۴). هر چند این پژوهشها نسبت به پژوهشهای اولیه طیفی گسترده‌تر از عوامل را مورد بررسی قرار می‌دهند، ولی هنوز بر الگومند بودن آرزوهای تحصیلی و شغلی بر اساس قومیت، نژاد و طبقه اجتماعی تأکید می‌کنند (گویت و سییه، ۱۹۹۹). در حالی که برخی از پژوهشهای جدید به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا و انگلستان نشان می‌دهند که بعضی از اقلیتهای قومی در این کشورها از سطح آرزوهای بالاتری نسبت به اکثریت برخوردارند یا اینکه سطح آرزوهای زنان بالاتر از مردان است (بیکر و همکاران، ۲۰۱۴؛ خطاب، ۲۰۱۴؛ سینت کلر^۳ و همکاران، ۲۰۱۳؛ کلر و بنجامین^۴، ۲۰۱۱). حتی شنایدر^۵ و استیونسون^۶ مدعی می‌شوند که در آمریکا فارغ از طبقه اجتماعی، قومیت، نژاد و جنسیت جوانان، سطح آرزوهای همه آنان بالاست (به نقل از خطاب، ۲۰۱۴). در حالی که پژوهشهای صورت گرفته در دیگر نقاط جهان به‌ویژه مناطق محروم نشان می‌دهند که آرزوهای تحصیلی و شغلی بر اساس جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و قومیت افراد از هم متفاوت اند (ادل^۷، ۱۹۸۹؛ ری، ۲۰۰۶؛ چنگ و استارکس، ۲۰۰۲؛ دومر و برندن، ۲۰۱۵؛ تامپسون و همکاران، ۲۰۱۵). این نتایج متفاوت سبب شده است که گاهی موضوع آرزوها چه در فضای اکادمیک و چه در عرصه سیاستگذاریهای آموزشی به مبحثی داغ و قابل بحث تبدیل شود.

به طور کلی دو رویکرد غالب در زمینه مطالعه آرزوها وجود دارد: رویکرد فرصت انسداد و رویکرد کنش عقلانی (رید^۸، ۲۰۱۲). در رویکرد فرصت انسداد، آرزوها در پاسخ به فقدان یا حضور نیروهای نهادی و ساختاری مانند نابرابریهای ساختاری شکل می‌گیرند. این نظرات با ایجاد تمایز میان آرزوها و انتظارات و جدا کردن آرزوهای تحصیلی از آرزوهای شغلی، منزلتی و درآمدی، آرزوها را به حوزه نابرابری پیوند می‌زنند (رید، ۲۰۱۲). در واقع این تفاوت در دسترسی منابع است که به آرزوهای جوانان شکل می‌بخشد (کائو و تیئندا^۹، ۱۹۹۸). در چارچوب رویکرد فرصت انسداد، میکلسون^{۱۰} (۱۹۹۰) تمایز میان نگرشهای ملموس^{۱۱} و نگرشهای انتزاعی^{۱۲} را پیشنهاد می‌کند. به باور او این نگرشهای ملموس‌اند

1. Goyette
2. Xie
3. St. Clair
4. Benjamin
5. Schneider
6. Stevenson
7. Odell
8. Reed
9. Kao & Tienda
10. Mickelson
11. Concrete attitudes
12. Abstract attitudes

که رفتارهای تحصیلی دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می دهند. نگرش انتزاعی از نظر میکلسون باورهای کلی در مورد تحصیل است، از جمله این وعده که «تحصیل وسیله ای برای تحرک اجتماعی است». اما نگرشهای ملموس نشان دهنده تجارب واقعی یک گروه خاص است (کائو و تیئندا، ۱۹۹۸). بنابراین از نظر میکلسون آرزوهای تحصیلی جوانان محروم از طریق تجربیات روزمره آنان در مدرسه، خیابان و خانه شکل می گیرند (کائو و تیئندا، ۱۹۹۸).

مطابق با رویکرد کنش عقلانی، افراد در یک فرایند کاملاً عقلانی، هزینه ها و منافع بالقوه کنش یا انتخاب شان را در نظر می گیرند (فرای، ۲۰۱۲). طبق این دیدگاه آرزوهای تحصیلی و شغلی نشان دهنده اهداف سرمایه گذارانه افراد بر اساس محاسبات عقلانی شان است. اخیراً، نظرات متأثر از این رویکرد، از محاسبه هزینه و منافع اقتصادی صرف فراتر رفته است و نقش سایر منافع غیر مادی و همچنین نیروهای ساختاری را نیز در نظر می گیرد (رید، ۲۰۱۲؛ رز^۱ و برد^۲، ۲۰۱۳).

نظریه ری که نقش راهنمای این پژوهش را دارد متأثر یا به عبارتی، تلاشی است برای تلفیق رویکردهای موجود از جمله رویکرد فرصت انسداد و انتخاب عقلانی. ری با ابداع^۳ مفهوم «پنجره آرزوها»^۴ سعی در توضیح نحوه شکل گیری آرزوها را دارد.

«پنجره آرزوها از دنیای شناختی فرد^۵ و قلمرو افراد «مشابه»^۶ و قابل دستیابی تشکیل شده است. افراد آرزوهای خود را از زندگی، دستاوردها و ایده های کسانی می گیرند که در پنجره آرزوهای شان وجود دارند» (ری، ۲۰۰۶: ۱). او توضیح می دهد که افرادی که غالباً در پنجره آرزوهای ما حضور دارند همانهایی هستند که با ما «مشابه» اند. در اینجا ری درک خاصی از مفهوم مشابه بودن دارد و آن را در معنای مشابهت مکانی (جایی که فرد مورد نظر زندگی میکند)، زمانی و مشابهت از لحاظ شخصیتی و پایگاه اقتصادی اجتماعی و غیره به کار می برد. مثلاً درکی که یک فرد می تواند از بازه تحصیل داشته باشد مبتنی بر تجربیات افراد مشابه با اوست. نگاه به تجارب افراد مشابه، همانند انجام دادن یک آزمایش با متغیرهای کنترل بهتر و در نتیجه دستیابی به اطلاعاتی بیشتر برای تصمیم گیری است.

مفهوم پنجره آرزوها این امکان را فراهم می سازد تا آرزوها ضمن اینکه از نزدیک ترین مفهوم به آن یعنی «انتظارات» متمایز گردند، همچنان ریشه در شرایط اجتماعی داشته باشند و نقش متغیر پیش بینی کننده دستاوردهای تحصیلی و شغلی را نیز ایفا کنند. چنان که در مرور ادبیات پژوهش اشاره شد اغلب پژوهشگرانی که آرزوها را از انتظارات متمایز می کنند، مدعی اند که آرزوها ریشه در ایده آله و تخیلات افراد دارند، در عین حال کمترین ارتباط را با شرایط اجتماعی اقتصادی هر جامعه

1. Rose
2. Baird
3. Coin
4. Aspirations window
5. Individual cognitive world
6. Similar

دارند. این عدم ارتباط با واقعیت اجتماعی و اقتصادی سبب شده است که آرزوها نقش توضیح‌دهندگی موفقیت‌های تحصیلی و شغلی را از دست بدهند. در تفسیر ری، آرزوها با وجود اینکه از ترجیحات و علایق دانش‌آموزان برمی‌خیزند، اما ریشه در شناخت و اطلاعات افراد از فرصت‌های در دسترس درون جامعه‌شان دارند (پنجره شناختی دانش‌آموزان). این درهم تنیدگی آرزوها و شرایط اجتماعی اقتصادی در کار ری، آرزوهای تحصیلی و شغلی را همچنان به عنوان متغیر توضیح‌دهنده دستاوردهای تحصیلی و شغلی مطرح می‌کند.

با وجود ادبیات نظری و تجربی گسترده در مورد آرزوهای تحصیلی و شغلی در سطح جهان، در ایران به این موضوع کمتر پرداخته شده است. همین امر بر ضرورت طرح پرسش از آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان در ایران می‌افزاید. از این رو، مقایسه آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان در دو شهر تهران و زاهدان نقطه شروع این پژوهش قرار گرفته است. چراکه ادراک و تجربه زیسته نگارندگان مقاله مؤید این مساله بود که افق‌ذهنی دانش‌آموزان زاهدانی حتی آنهایی که متعلق به طبقات بالا و متوسط این شهر هستند تداعی‌گر نوعی از افق‌ذهنی است که از عناصر جاه‌طلبی، خوشبینی، امید و خیال تهی است. عناصری که چه به اقتضای سن و چه به اقتضای پایگاه اقتصادی اجتماعی این دانش‌آموزان می‌بایست در افق‌ذهنی یا آینده‌متصور شده آنها موجود باشد؛ همچنان که برای دانش‌آموزان تهرانی موجود است. در صورت تأیید این مساله، تبیین چرایی این تفاوت می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد. بر این مبنا سؤال اصلی پژوهش حاضر را می‌توان به این صورت عنوان کرد: آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان زاهدانی و تهرانی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

■ روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش پیمایش با ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جمعیت آماری پژوهش را دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم (پایه یازدهم) تهران و زاهدان در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۹۷ تشکیل داده‌اند. انتخاب دانش‌آموزان پایه یازدهم به عنوان جمعیت آماری پژوهش براساس نقشی است که سن افراد در آرزوهای تحصیلی و شغلی آنان دارد. بر اساس ادبیات نظری و تجربی آرزوها، سن دانش‌آموزان عاملی بسیار مهم در جهت‌دهی به آرزوهای آنان است. دانش‌آموزان پایه یازدهم در سنی هستند که آرزوهای آنان از ایده آل‌گرایی دور شده و به سمت واقع‌گرایی در حرکت است. موضوع مهم دیگر در انتخاب دانش‌آموزان پایه یازدهم، فاصله زمانی آنها با کنکور سراسری است. از آنجایی که کنکور سراسری هنوز نقش غالب در تعیین مسیرهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دارد، این دانش‌آموزان از لحاظ زمانی باید از نظر کنکور در موقعیتی میانی باشند. به این معنا که دور بودن از کنکور سبب می‌شود که آرزوهای آنان بیشتر جنبه خیال‌پردازانه پیدا کند و در صورت نزدیک‌بودن به کنکور برنامه‌ریزی‌های دانش‌آموزان برای کنکور و دانشگاه ممکن است بر جنبه‌های آرزویی نگاه آنان به

کنکور و دانشگاه غلبه یابد.

برای انتخاب نمونه پژوهش از نمونه گیری خوشه ای با کنترل متغیرهای زمینه ای سن، جنس و پایگاه اقتصادی اجتماعی استفاده شده است. در ادبیات پژوهش، متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی غالباً به منزله مهم ترین عامل تأثیرگذار روی آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش آموزان و ایجاد تمایز میان آنها در نظر گرفته می شود (ری، ۲۰۰۶؛ چنگ و استارکس، ۲۰۰۲؛ دومر و برندن، ۲۰۱۵؛ تامپسون و همکاران، ۲۰۱۵). از آنجایی که هدف این پژوهش مقایسه آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش آموزان بر مبنای شهر بود و نه پایگاه اقتصادی اجتماعی آنان، لذا تلاش شده است که دانش آموزان مورد بررسی در دو شهر به گونه ای انتخاب شوند که دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی نسبتاً مشابه باشند تا تفاوت های احتمالی مشاهده شده ناظر به تفاوت سکونت در دو شهر باشد نه ناظر بر تفاوت در پایگاه اجتماعی - اقتصادی. بنابراین در انتخاب نمونه به این صورت عمل شد که، ابتدا سیاهه همه مدارس دولتی دوره متوسطه دوم هر شهر از طریق رجوع به اداره کل آموزش و پرورش آن شهر تهیه شد. در مرحله بعد نخست در زاهدان از میان مدارس واقع شده در مناطق مرفه نشین شهر به صورت تصادفی سه مدرسه انتخاب شد. پس از کسب مجوزهای لازم، به این سه مدرسه رجوع شد و پس از انتخاب تصادفی کلاسها، دانش آموزان کلاس تمام شماری شدند و پرسشنامه محقق ساخته آرزوهای تحصیلی و شغلی میان آنان توزیع شد.

دلیل انتخاب مدارس زاهدان از میان مناطق مرفه نشین این شهر، همانگونه که در قسمت بیان مسئله اشاره شده است جهت گیریهای ذهنی آینده - محور دانش آموزان زاهدان (در مقایسه با تهران) در اغلب موارد حتی برای آنهایی که متعلق به طبقات بالای این جامعه اند سمت و سویی محدود و ناامیدکننده دارد. برای آزمون این فرضیه نیاز بود مدارس از میان مناطق مرفه نشین شهر زاهدان انتخاب شود تا محدودیت احتمالی در سطح و نوع آرزوها قابل ارجاع به فقر و پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین پاسخگویان نباشد و درعین حال، برای حفظ امکان مقایسه با کنترل متغیر بالقوه تأثیرگذار پایگاه اجتماعی - اقتصادی، لازم بود در تهران هم مدارس انتخاب شود که دانش آموزان آن از لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی به دانش آموزان مدارس زاهدان نزدیک باشند. برای ایجاد چنین امکانی، در میان دانش آموزان چندین مدرسه در تهران یک پیش آزمون با هدف شناسایی دانش آموزان دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی مشابه با زاهدان اجرا شد. بر اساس نتایج این پیش آزمون مشخص شد که مدارس واقع شده در مناطق متوسط و متوسط به پایین تهران دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی مشابه با دانش آموزان مدارس انتخاب شده در زاهدان هستند. سیاهه این مدارس تهیه و از میان آنها سه مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد. به این مدارس مراجعه و همانند زاهدان کلاسها به صورت تصادفی انتخاب شدند و دانش آموزان آن کلاس تمام شماری شدند. در جدول شماره ۱، تعداد و مشخصات نمونه نهایی پژوهش قابل مشاهده است.

جدول ۱. مشخصات نمونه نهایی پژوهش

شهر	رشته	فراوانی
زاهدان	علوم انسانی	۵۲
	تجربی	۵۷
	ریاضی فیزیک	۴۷
مجموع		۱۵۰
تهران	علوم انسانی	۴۵
	علوم تجربی	۵۳
	ریاضی فیزیک	۵۲
مجموع		۱۵۰

از نظر ما آرزوهای تحصیلی و شغلی انتخابهایی اند که دانش آموزان ترجیح می دهند از میان «گزینه های تحصیلی و شغلی موجود» برگزینند و در آینده آن را پیگیری کنند. این تعریف برگرفته از رویکرد ری به آرزوهای تحصیلی و شغلی است. منظور از گزینه های تحصیلی و شغلی موجود آنهایی است که دانش آموزان نسبت به وجودشان اطلاع دارند.

ما از مفهوم پنجره آرزوها استفاده خواهیم کرد تا ابتدا مشخص شود جهت گیری آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش آموزان چگونه است و به چه میزان آرزوهایشان وسیع یا محدود است. برای این منظور اطلاعات دانش آموزان نسبت به حوزه تحصیل و اشتغال اهمیت دارد (پنجره شناختی). شناخت این دو به طور ضمنی به ما خواهد گفت که دانش آموزان تا چه اندازه نسبت به فرصتهای تحصیلی و شغلی موجود در جامعه آگاهی دارند. در چنین زمینه ای است که موضوع ترجیحات دانش آموزان از میان فرصتهای تحصیلی و شغلی مطرح می شود. از آنجایی که قرار است پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش آموزان به منزله متغیر کنترل در نظر گرفته شود، با مشابه نگهداشتن پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش آموزان در دو شهر، امکان بهتری برای مقایسه آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش آموزان زاهدان و تهران فراهم خواهد شد.

در این پژوهش آرزوها به مثابه مسیرهای ترجیح داده شده، در قلمرو مسیرهای ممکن، تعریف شده اند. بر اساس این تعریف، در هر جامعه مسیرهایی تعریف شده در حوزه های گوناگون زندگی اجتماعی وجود دارند که می توانند موضوع آگاهی افراد قرار بگیرند. پس از آن آنچه اهمیت دارد چگونگی مواجهه افراد با این مسیرها و امکانات پیش روست. بر این اساس، هر آرزویی دارای سه بعد آگاهی، امکان و ترجیح است.

جدول ۲. ابعاد و گویه‌های آرزوهای تحصیلی و شغلی

آگاهی	● آگاهی در مورد مقاطع تحصیلی آموزش عالی ● میزان اطلاعات در مورد مقاطع تحصیلی آموزش عالی
امکان	● ارزیابی دانش‌آموزان از توانایی خود برای اخذ مدارج تحصیلی آموزش عالی ● ارزیابی دانش‌آموزان از شانس قبولی خود در کنکور سراسری ● ارزیابی دانش‌آموزان از توانایی خود برای تحصیل در رشته مورد علاقه ● ارزیابی دانش‌آموزان از توانایی خود برای دستیابی به شغل مورد علاقه
ترجیح	● میزان علاقه‌مندی به ادامه تحصیل ● رشته مورد علاقه ● شغل مورد علاقه

نوع پاسخ دانش‌آموزان در زمینه شغل و رشته مورد علاقه‌شان، نشان‌دهنده میزان اطلاعات آنها درباره حوزه‌های تحصیلی و شغلی است. همچنان‌که تجارب افراد را می‌توان در دو قالب تجارب انتزاعی و تجارب ملموس جای داد، پاسخها نیز بسته به اینکه برگرفته از چه تجربه‌هایی هستند، می‌توانند شکلی مشخص یا کلی و مبهم داشته باشند. به طور خاص، زمانی که موضوع پرسش و پاسخ، علائق و ترجیحات تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان باشد، معمولاً دانش‌آموز تمایل بسیار به بیان تفصیلی چنین علائقی نشان می‌دهد. از این رو برای ما دانش‌آموزی که در کنار رشته، گرایش تحصیلی خود را هم عنوان می‌کند نمره بالاتری از لحاظ میزان اطلاعات تحصیلی نسبت به دیگر دانش‌آموزان می‌گیرد. در زمینه شغل هم دانش‌آموزانی که به بیان دقیق شغل ترجیحی خود می‌پردازند نمره بالاتری می‌گیرند. به عنوان مثال کسی که ترجیح شغلی خود را جراح مغز و اعصاب شدن ذکر می‌کند نسبت به آنکه خود را علاقه‌مند به پزشک شدن می‌داند، ارتباطی مشخص‌تر و محکم‌تر با علائق خود برقرار کرده است.

پرسشنامه پژوهش، حاوی ۲۶ سؤال در مورد عوامل زمینه‌ای (پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان که از طریق شاخصهای تحصیلات و شغل پدر و مادر و درآمد ماهیانه خانوار مورد سنجش قرار گرفت)، آرزوهای تحصیلی و آرزوهای شغلی دانش‌آموزان است. برای آزمون پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. با توجه به تحلیل صورت گرفته، پایایی متغیرهای پرسشنامه پژوهش برای متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضریب پایایی ۰/۷۱، برای متغیر آرزوی تحصیلی ۰/۷۷ و برای متغیر آرزوی شغلی ضریب پایایی ۰/۷۳ درصد به‌دست آمده است. با توجه به اینکه ضرایب مطرح شده مساوی یا بیشتر از ۰/۷ است، بنابراین شاخصهای مورد استفاده برای متغیرهای پژوهش از پایایی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

■ یافته‌ها

مقایسه پایگاه اقتصادی اجتماعی به دست آمده، هم در سطح مدارس و هم در سطح شهر نشان داد که از میان چهار نوع مدرسه نمونه‌گیری شده، دانش‌آموزان مدارس متوسط به بالا و بالای زاهدان با مدارس متوسط به پایین تهران دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی مشابهی هستند، در حالی که مقایسه انجام شده در سطح دو شهر تفاوتی معنادار را میان پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان نشان می‌دهد. این موضوع امکان مقایسه آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان در هر دو سطح مدارس و شهر را ایجاد کرد. سؤالهایی که ابعاد آگاهی و ترجیح آرزوهای تحصیلی و شغلی را می‌سنجند به صورت باز و سؤالهای مربوط به بعد توانایی به صورت بسته تعریف شدند و پاسخها در قالب طیف لیکرت کدگذاری شدند. از طریق پاسخهای دانش‌آموزان به سؤالات آگاهی و میزان اطلاعات تحصیلی چهار دسته از دانش‌آموزان شناسایی شدند. دانش‌آموزانی که نسبت به مقاطع تحصیلی آموزش عالی آگاه بودند و اطلاعات خود را هم زیاد ارزیابی کردند (۲۰ درصد برای زاهدان و ۲۴/۶ درصد برای تهران)، آنهایی که آگاه بودند، اما اطلاعات خود را در حد متوسط ارزیابی کردند (برای هر دو شهر ۱۳/۳ درصد)، آنهایی که آگاه بودند، اما اطلاعات خود را کم ارزیابی کردند (۱۱/۳ درصد زاهدان و ۲۰ درصد تهران) و آنهایی که ناآگاه بودند و این عدم آگاهی از طریق پاسخ آنان به دیگر سؤالات پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت (۵۵/۳ درصد زاهدان و ۴۲ درصد تهران). پاسخهای سه گروه اول به سؤالهای ارزیابی توانایی تحصیلی آنها در طیف خیلی کم تا خیلی زیاد کدگذاری شدند. سپس رشته تحصیلی مورد علاقه دانش‌آموزان بر حسب معیار میزان مشخص بودن رشته به دو گروه کلی و مشخص تقسیم شد. نتایج در جداول ۳ تا ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۳. فراوانی آگاهی و میزان اطلاعات تحصیلی دانش‌آموزان

شهر	نوع	فراوانی	درصد فراوانی
زاهدان	ناآگاه	۸۳	۵۵/۳
	آگاه و اطلاعات کم	۱۷	۱۱/۳
	آگاه و اطلاعات متوسط	۲۰	۱۳/۳
	آگاه و اطلاعات زیاد	۳۰	۲۰
تهران	ناآگاه	۶۳	۴۲
	آگاه و اطلاعات کم	۳۰	۲۰
	آگاه و اطلاعات متوسط	۲۰	۱۳/۳
	آگاه و اطلاعات زیاد	۳۷	۲۴/۶

اطلاعات جدول ارزیابی توانایی تحصیلی دانش آموزان نشان می‌دهد که برای هر دو شهر بیشترین فراوانی مربوط به دانش‌آموزانی است که توانایی تحصیلی خود را در حد متوسط ارزیابی کردند (۲۴ درصد زاهدان و ۳۲ درصد تهران) و کمترین فراوانی مربوط به گزینه خیلی کم، یعنی ۷ درصد برای زاهدان و ۵ درصد برای تهران است.

جدول ۴. فراوانی ارزیابی توانایی تحصیلی دانش‌آموزان

شهر	نوع	فراوانی	درصد فراوانی
زاهدان	خیلی کم	۷	۱۰/۴۴
	کم	۸	۱۱/۵۴
	متوسط	۲۴	۳۴/۷۸
	زیاد	۱۰	۱۴/۹
	خیلی زیاد	۲۰	۲۸/۲۹
تهران	خیلی کم	۸	۹/۱۹
	کم	۵	۵/۷
	متوسط	۳۲	۳۶/۷
	زیاد	۱۵	۱۷/۲
	خیلی زیاد	۲۸	۳۲/۱۸

همان‌گونه که عنوان شد رشته‌های تحصیلی مورد علاقه دانش‌آموزان به دو نوع کلی و مشخص طبقه‌بندی شدند. بر اساس جدول فراوانی شماره ۵، برای هر دو شهر بیشترین فراوانی مربوط به دسته مشخص است با این تفاوت که این مقدار برای تهران در حدود ۲۱ درصد بیشتر از زاهدان است.

جدول ۵. طبقه‌بندی رشته‌های ترجیحی دانش‌آموزان و فراوانی آن

شهر	نوع	فراوانی	درصد فراوانی
زاهدان	کلی	۴۰	۳۲/۲۵
	مشخص	۸۴	۶۷/۷
تهران	کلی	۲۰	۱۳/۶۹
	مشخص	۱۲۶	۸۶/۳

مشاغل مورد علاقه دانش‌آموزان یک بار بر اساس میزان منزلت شغل و یک بار هم بر اساس میزان مشخص بودن شغل طبقه‌بندی و کدگذاری شدند. در طبقه‌بندی مشاغل، پژوهش کاظمی‌پور (۱۳۸۹) مبنا قرار گرفت. بر این اساس مشاغل ترجیحی دانش‌آموزان در دو دسته مشاغل با منزلت بالا و با منزلت پایین دسته‌بندی شدند. از لحاظ سطح مشخص بودن نیز مشاغل در دو گروه مشخص و کلی دسته‌بندی شدند. از معیار اخیر برای سنجش بعد آگاهی آرزوهای شغلی استفاده شد. بر اساس نتایج جدول ۶ و ۷، اغلب مشاغل ترجیحی دانش‌آموزان تهران در دسته مشاغل پرمنزلت قرار می‌گیرد (۸۷/۳ درصد) و تنها در حدود ۱۱ درصد از مشاغل مورد علاقه این دانش‌آموزان را می‌توان در دسته مشاغل با منزلت پایین جای داد. برای دانش‌آموزان زاهدان تقریباً حدود نیمی از مشاغل ترجیحی آنان (۴۹ درصد) جزو مشاغل با منزلت پایین و ۵۱ درصد جزو مشاغل پرمنزلت بودند. تقریباً چنین ترتیبی در دسته‌بندی مشاغل بر اساس سطح مشخص بودن آنها نیز وجود دارد، چنانکه در این‌جا نیز اغلب دانش‌آموزان تهرانی (۷۰/۴۶ درصد) شغل ترجیحی خود را به صورت مشخص و دقیق بیان کرده‌اند، در صورتی که بیش از نیمی از دانش‌آموزان زاهدانی (۵۶ درصد) این کار را به صورت کلی انجام داده‌اند.

جدول ۶. طبقه‌بندی مشاغل ترجیحی بر اساس میزان مشخص بودن شغل

شهر	نوع	فراوانی	درصد فراوانی
زاهدان	کلی	۸۴	۵۶/۷۵
	مشخص	۶۴	۴۳/۲۴
تهران	کلی	۴۴	۲۹/۵۴
	مشخص	۱۰۵	۷۰/۴۶

جدول ۷. طبقه‌بندی مشاغل ترجیحی بر اساس منزلت شغل

شهر	نوع	فراوانی	درصد فراوانی
زاهدان	پایین	۷۲	۴۹
	بالا	۷۵	۵۱
تهران	پایین	۱۷	۱۱/۳
	بالا	۱۳۱	۸۷/۳

از طریق متغیرهای آگاهی و میزان اطلاعات تحصیلی دانش‌آموزان، ارزیابی توانایی تحصیلی و رشته ترجیحی دانش‌آموزان، شاخص آرزوهای تحصیلی آنان و از طریق آگاهی شغلی و ترجیح شغلی

دانش آموزان شاخص آرزوهای شغلی آنان مورد سنجش قرار گرفت. بر این اساس آرزوهای تحصیلی و شغلی به دو دسته آرزوهای محدود^۱ و آرزوهای گسترده طبقه بندی شد. با توجه به نتایج به دست آمده، ۳۷/۴ درصد آرزوهای تحصیلی دانش آموزان زاهدان در دسته آرزوهای محدود و ۴۶ درصد آنها در دسته آرزوهای گسترده قرار می گیرند. در تهران ۳۲ درصد دانش آموزان دارای آرزوهای محدود و ۵۴ درصد دارای آرزوهای گسترده بوده اند. در مورد آرزوهای شغلی دانش آموزان نیز هر چند ۵۸/۷ درصد آرزوهای شغلی دانش آموزان زاهدان جزء آرزوهای گسترده بود، اما این مقدار برای تهران به ۸۳/۳ درصد رسید.

جدول ۸. فراوانی نوع آرزوهای تحصیلی و شغلی به تفکیک مدارس

مدارس متوسط به بالا			مدارس بالا		
نوع	فراوانی	درصد	نوع	فراوانی	درصد
محدود	۲۵	۳۳/۳	محدود	۲۷	۳۶
گسترده	۳۷	۴۹/۳	گسترده	۳۲	۴۲/۷
مجموع	۶۲	۸۲/۷	مجموع	۵۹	۷۸/۶
گمشده	۱۳	۱۷/۳	گمشده	۱۶	۲۱/۳
محدود	۲۶	۳۴/۷	محدود	۳۳	۴۴
گسترده	۴۷	۶۲/۷	گسترده	۴۱	۵۴/۷
مجموع	۷۳	۹۷/۳	مجموع	۷۴	۹۸/۷
گمشده	۲	۲/۷	گمشده	۱	۱/۳

زاهدان

۱. محدود بودن یک آرزو به این معناست که شخص آرزو کننده آرزویش را بر اساس اطلاعات ناچیزی بنا کرده چنان که این عدم وجود اطلاعات، خود را در نحوه بیان و میزان اطمینان از آن آرزو نیز نشان می دهد. جنبه دیگر این محدود بودن، به جهت گیری یا جهت گیریهای مستتر در یک آرزو بر می گردد. جهت گیری یک آرزوی شغلی محدود است زیرا در مقایسه با سایر آرزوها رو به سمت مشاغل دارد که از منزلت و درآمد پایینی برخوردار هستند یا جهت گیری یک آرزوی تحصیلی محدود است زیرا موضوع آن آرزو، رشته ای است که در مقایسه با دیگر رشته ها از آینده شغلی و حرفه ای مناسبی برخوردار نیست. عکس این مطالب برای آرزوهای گسترده صادق است.

جدول ۹. فراوانی نوع آرزوهای تحصیلی و شغلی به تفکیک مدارس

مدارس متوسط به پایین			مدارس متوسط		
درصد	فراوانی	نوع	درصد	فراوانی	نوع
۲۱/۳	۱۶	محدود	۴۲/۷	۳۲	محدود
۵۸/۷	۴۴	گسترده	۴۹/۳	۳۷	گسترده
۸۰	۶۰	مجموع	۹۲	۶۹	مجموع
۲۰	۱۵	گمشده	۸	۶	گمشده
۱۷/۷	۱۴	محدود	۱۲	۹	محدود
۸۰	۶۰	گسترده	۸۶/۷	۶۵	گسترده
۹۸/۷	۷۴	مجموع	۹۸/۷	۷۴	مجموع
۱/۳	۱	گمشده	۱/۳	۱	گمشده

آرزوهای تحصیلی

تهران

آرزوهای شغلی

جدول ۱۰. فراوانی نوع آرزوهای تحصیلی و شغلی به تفکیک شهر

آرزوهای شغلی			آرزوهای تحصیلی		
درصد	فراوانی	نوع	درصد	فراوانی	نوع
۳۹/۳	۵۹	محدود	۳۷/۴	۵۲	محدود
۵۸/۷	۸۸	گسترده	۴۶	۶۹	گسترده
۹۸	۱۴۷	مجموع	۸۰/۷	۱۲۱	مجموع
۲	۳	گمشده	۱۹/۳	۲۹	گمشده
۱۵/۳	۲۳	محدود	۳۲	۴۸	محدود
۸۳/۳	۱۲۵	گسترده	۵۴	۸۱	گسترده
۹۸/۷	۱۴۸	مجموع	۸۶	۱۲۹	مجموع
۱/۳	۲	گمشده	۱۴	۲۱	گمشده

زاهدان

تهران

■ آزمون تفاوت میانگینها

برای مقایسه میانگین آرزوهای تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان از آزمون T استفاده شد و نتایج در جدول ۱۱ و ۱۲ آورده شده است. بر اساس جدول ۱۱، از لحاظ نمره میانگین آرزوهای تحصیلی و در سطح معناداری ۰/۰۵ تفاوت معنادار میان زاهدان و تهران وجود ندارد؛ ($P\text{-value} > \alpha$)، اما تفاوت مشاهده شده در آرزوهای شغلی کاملاً معنادار است؛ ($P\text{-value} < \alpha$).

در سطح مدارس نیز آزمون T میان مدارس واقع شده در مناطق بالایی شهر زاهدان و مدارس متوسط به پایین تهران که از لحاظ پایگاه اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان میان آنها تفاوت معنادار وجود نداشت، اجرا شد. نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد که میان آرزوهای تحصیلی مدارس (بالا) زاهدان با آرزوهای تحصیلی مدارس (متوسط به پایین) تهران تفاوت معنادار از لحاظ آماری وجود ندارد ($P\text{-value} > \alpha$)، اما تفاوت میان آرزوهای شغلی دانش‌آموزان این دو نوع مدرسه کاملاً معنادار است ($P\text{-value} < \alpha$).

جدول ۱۱. مقایسه میان مدارس

متغیر	بالا (n=۵۹)	متوسط به پایین (۶۰=n)	t-value	p-value
آرزوهای تحصیلی	M SD ۷۵/۸۸ (۴۲/۶۵)	۸۱/۲۴ (۴۰/۰۸)	-۰/۷۹۳	۰/۴۲۹
آرزوهای شغلی	M SD (n=۷۴)	(n=۷۴)	-۴/۵۷۶	۰
	۳/۳۶ (۱/۲۲۳)	۴/۲۰ (۰/۹۹۳)		

جدول ۱۲. مقایسه میان شهر

متغیر	زاهدان (n=۱۲۱)	تهران (n=۱۲۹)	t-value	p-value
آرزوهای تحصیلی	M SD ۷۱/۰۱۳ (۴۴/۶۴)	۶۹/۳۱ (۴۵/۹۹)	۰/۳۲۴	۰/۷۴۶
آرزوهای شغلی	M SD (n=۱۴۷)	(n=۱۴۸)	-۷/۶۶۹	۰
	۳/۴۱ (۱/۱۴۰)	۴/۳۴ (۰/۹۳۱)		

■ بحث و نتیجه گیری ■

ادامه تحصیل و ورود به دانشگاه خواست و ترجیح اغلب دانش‌آموزان است و به نظر می‌رسد در این میان تفاوتی میان زاهدان و تهران وجود ندارد. اکثر دانش‌آموزان زاهدان و تهران قصد ادامه تحصیل و ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر را دارند و در این مسیر شانس و تواناییهای خود را هم بالا ارزیابی می‌کنند، اما شروع تفاوت میان دانش‌آموزان زاهدان و تهران در بحث ارزیابی رشته ترجیحی و مورد علاقه دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد و در قسمت ترجیح و علاقه شغلی، این تفاوت عمیق می‌شود.

مورد اول، رشته‌های انتخابی دانش‌آموزان زاهدان دو ویژگی همسو با هم دارد: جزء رشته‌های پرمقتاضی کنکورند و از لحاظ بازار کار شرایط مساعدتری نسبت به سایر رشته‌های دانشگاهی دارند. این رشته‌های تحصیلی انتخاب شده را می‌توان در سه دسته کلی جای داد. الف) رشته‌های مربوط به حوزه پزشکی و پیراپزشکی؛ ب) رشته‌های مربوط به حوزه مهندسی و ج) رشته‌های مربوط به علوم انسانی که غالباً در دو رشته حقوق و مدیریت خلاصه شده است. البته دو انتخاب تربیت معلم و دانشکده افسری در این طبقه بندی قرار نمی‌گیرند. برای دانش‌آموزان تهران، با اینکه اغلب رشته‌های انتخابی آنان را می‌توان در همین طبقه‌بندی کلی قرار داد ولی علاوه بر این، تعداد قابل ملاحظه‌ای از این رشته‌ها در طبقه‌بندی مزبور قرار نمی‌گیرند، از جمله، رشته‌های مربوط به حوزه هنر مانند تئاتر، موسیقی، کارگردانی و غیره. البته رشته‌های مربوط به حوزه علوم انسانی نیز به‌خلاف زاهدان، دامنه‌ای وسیع‌تر از رشته‌ها را در بر می‌گیرند. از این رو می‌توان دو تفاوت کیفی مهم میان رشته‌های ترجیحی دانش‌آموزان زاهدان و تهران را از هم باز شناخت. نخست اینکه، رشته‌هایی که جزء اولویتهای دانش‌آموزان تهران هستند، بسیار متنوع‌تر از رشته‌های همتایان زاهدانی آنهاست.

مورد دوم و در ارتباط و همسو با مورد اول اینکه، دانش‌آموزان زاهدان رشته‌های مورد علاقه خود را غالباً به صورت کلی نام برده‌اند. این کلی‌گویی در مورد رشته‌هایی که دارای گرایشهای متنوعی‌اند، احتمالاً می‌تواند ناشی از عدم اطلاعات کافی این دانش‌آموزان در مورد رشته‌های تحصیلی یا تردید در مورد علاقه خود در زمینه آن رشته باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش هارت (۲۰۱۲) در مورد آرزوهای نوجوانان انگلیسی و البته تنها تا آنجایی که به گونه‌شناسی آرزوها مربوط می‌شود، همسو است. چرا که پژوهش هارت نشان می‌دهد آرزوهای نوجوانان با توجه به متغیرهایی چون سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی، نوع اطلاعات، ساختار خانواده و غیره، می‌تواند شکلی کلی یا مشخص به‌خود بگیرد. در حالی که از داده‌های پژوهش ما نمی‌توان به چرایی کلی بودن یا مشخص بودن آرزوهای دانش‌آموزان رسید. در مورد سؤالات مربوط به آرزوهای شغلی، تفاوت میان زاهدان و تهران از همان ابتدا کاملاً نمایان می‌شود. تنوعی که در مورد رشته‌های تحصیلی به آن اشاره شد در مورد مشاغل مورد علاقه، شدت بیشتری به خود می‌گیرد. می‌توان این‌گونه عنوان کرد که مشاغلی را که زاهدانها به آن علاقه‌مندند،

مشاغلی هستند که از زاویه دید دستیابی به موقعیتهایی آنی و بلافاصله مادی انتخاب شده‌اند. مشاغلی مانند «نظامی» و «معلمی» که در رتبه ۱ و ۳ مشاغل انتخاب شده برای زاهدانها قرار می‌گیرند، مشاغلی هستند که می‌توانند فاصله میان تحصیل و اشتغال را به حداقل برسانند، یعنی غالباً دانش‌آموز بلافاصله پس از پایان تحصیلات متوسطه دوم، می‌تواند در آزمونهای استخدامی نیروهای مسلح شرکت کند یا از طریق تحصیل در دانشگاه تربیت معلم حقوق دریافت کند و مشمول خدمت سربازی نشود. احتمال می‌رود با توجه به سهمیه‌های استانی در نظر گرفته شده برای این مشاغل، دستیابی به آنها بسیار راحت‌تر از سایر مشاغل نیازمند به تحصیلات باشد. از این لحاظ گزینه‌هایی کاملاً عمل‌گرایانه و ناظر بر اهداف مشخص هستند. پزشک شدن در رتبه دوم، وکالت رتبه چهارم، پرستاری رتبه پنجم و «کارمندی» در رتبه ششم مشاغل مورد علاقه دانش‌آموزان زاهدان قرار می‌گیرد. منطق مشترک انتخاب این مشاغل را که در مورد آن کلی‌گویی نیز شده است می‌توان با ادبیات میکلسون (۱۹۹۰) این‌گونه توضیح داد که ترجیحات آینده-محور دانش‌آموزان از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: یکی تجارب شخصی و روزمره آنها و دیگری فضای فکری مسلط در جامعه. در سیستم معمولاً، ذهنیت مثبتی در مورد مشاغل دولتی یا به استخدام دولت درآمدن وجود دارد و ممکن است این ذهنیت به نوجوانان هم القا شده باشد. مثال مشخص آن علاوه بر معلمی و نظامی، «کارمند» است. در سیستم «کارمند» معادل با شغل دولتی در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل این امکان وجود دارد که اولویت نوع سازمان و حوزه‌ای که فرد می‌خواهد در آن استخدام شود تحت‌الشعاع تأکید بر دولتی بودن شغل قرار گیرد.

جهت‌گیری شغل‌هایی که دانش‌آموزان تهرانی علاقه‌مند به دستیابی به آن هستند تفاوت میان این دانش‌آموزان با همتایان زاهدانی آنها را به صورت مشخص‌تر نشان می‌دهد. آنچه دانش‌آموزان تهرانی را متمایز می‌کند وجود مشاغلی است که قابل ترجمه به یک نفع مادی فوری و مشخص نیست، یا به عبارتی نمی‌توان آنها را در زمره مشاغل به معنای جاری آنها جای داد. از جمله اینها، موقعیتهایی مانند ریاست‌جمهوری، نویسندگی، کارگردانی، موسیقی، تئاتر و سینما و حوزه اختراع و تحقیق و غیره است. بیش از ۲۰ نفر از دانش‌آموزان تهرانی ابراز علاقه برای فعالیت در چنین حوزه‌هایی دارند. حضور این مشاغل در آرزوهای شغلی دانش‌آموزان تهرانی را می‌توان به عنوان سقف بلند آرزوهای این دانش‌آموزان و نبود آنها در میان مشاغل آرزویی دانش‌آموزان زاهدان را به عنوان سقف کوتاه آرزوهای آنان در نظر گرفت. فراموش نشود که این مقایسه میان دانش‌آموزان طبقات متوسط به بالا و بالای زاهدان با طبقات متوسط و متوسط به پایین تهران صورت می‌گیرد.

مشاغل و حوزه‌های شغلی مختص دانش‌آموزان تهرانی

کارگردان، بازیگر، انیماتور، مجری و گوینده، نویسنده، خواننده، محقق، اخترشناس، روانشناس، جامعه‌شناس، متخصص ژنتیک، جراح مغز و اعصاب، جراح قلب و عروق، فعال سیاسی، رئیس‌جمهور، سفیر، مخترع، کارآفرین، ارشیتکت ساختمان

با کنار هم قرار دادن متغیرهایی که شاخص آرزوهای تحصیلی و شغلی را می‌سازند، می‌توان این گونه عنوان کرد که آرزوهای تحصیلی دانش‌آموزان زاهدان به‌جز بحث تنوع و میزان مشخص بودن، تفاوت چندانی با آرزوهای تحصیلی دانش‌آموزان تهران ندارد ولی این آرزوهای تحصیلی بالا، نتوانسته است موقعیتهای شغلی آرزویی، متناسب با خود را ایجاد کند. مثال این وضعیت، مشاغل معلمی و نظامی هستند؛ با اینکه در مجموع تنها در حدود ۱۰ درصد (۱۵ نفر) از دانش‌آموزان زاهدانی علاقه‌مند به تحصیل در دانشکده افسری و تربیت معلم هستند ولی در قسمت علاقه شغلی، شغل «نظامی» به تنهایی ۱۹/۳ درصد (۲۹ نفر) فراوانی مشاغل مورد علاقه زاهدان را به خود اختصاص داده است. اینکه چرا در حوزه‌ای که به عنوان عرصهٔ بها دادن به جاه‌طلبیها و بلندپروازیها شناخته می‌شود دانش‌آموزان زاهدانی این چنین خود را محدود می‌کنند (یا محدود می‌شوند) سؤالی است که هر چند نیاز به پژوهشهای بیشتر در حوزهٔ آرزوها دارد ولی در اینجا می‌توان با توجه به ادبیات ری و بورديو یک پاسخ محتمل به آن داد. از نظر ری هر آنچه ممکن‌تر به نظر برسد محتمل‌تر است که در ارتباط با آن آرزویی شکل بگیرد. این گونه به نظر می‌رسد که امکان تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر در زاهدان از گزینه‌های در دسترس دانش‌آموزان باشد. این دسترسی را می‌توان با توجه به ادبیات بورديو دموکراتیزه شدن آموزش دانست. به این معنا که وجود دانشگاههای گوناگون در زاهدان (به طوری که به زاهدان چهره یک شهر دانشگاهی داده است) ادامه تحصیل را به یک انتخاب قابل دسترس تبدیل کرده است. با توجه به اینکه دانش‌آموزان پایه یازدهم در سنی هستند که آرزوهای آنها رو به سمت واقع‌گرایی حرکت می‌کند دسترس‌پذیر بودن یک مسیر، معیاری مهم در شکل‌دهی به آرزوهای آنان است.

برای دانش‌آموزان تهرانی، آرزوی تحصیلی‌شان توانسته است به آرزوهای شغلی متناسب با خود منتهی شود. در این میان آن چنان که از حوزهٔ آرزوها انتظار می‌رود، این دانش‌آموزان توانسته‌اند جهت‌گیری آرزوهای شغلی خود را چه از لحاظ تنوع و چه از لحاظ محدوده، در سطح بالایی به‌روراند، به‌طوری که می‌توان از این دانش‌آموزان در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، از حوزه هنری گرفته تا حوزه‌های سیاسی و اقتصادی، آرزویی سراغ گرفت.

در فضای ترسیم شده در بالا، آنچه در مقایسه آرزوهای دانش‌آموزان اهمیت دارد نه ترجیح آنها برای حضور در دانشگاهها و مقاطع تحصیلی بالاتر، بلکه نوع رشته و نوع شغل آرزویی آنهاست. به عبارت دیگر، اگر آرزوها را به عنوان شاخص کیفی نابرابری در نظر بگیریم، نوع رشته و نوع شغل آرزویی دانش‌آموزان است که بیشتر از همه نشانگر نابرابری میان دانش‌آموزان زاهدان و تهران است. پیشنهاد می‌شود که در پژوهشهای آتی به تبیین چرایی این شکاف بپردازند و به این سؤال پاسخ دهند که چه تفاوت یا تفاوت‌های مهمی میان این دو شهر وجود دارد که علی‌رغم تشابه پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانش‌آموزان چنین نابرابری را در آرزوها، به خصوص آرزوهای شغلی آنان موجب می‌شود.

- اسماعیل سرخ، جعفر. (۱۳۸۰). کردستان و مسأله نابرابریهای آموزشی. مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۷ (۱)، ۱۸۳-۱۴۳.
- افقه، سید مرتضی؛ غرافی، مانده و بصیرت، مهدی. (۱۳۹۴). تأثیر نابرابری آموزش بر توزیع درآمد در ایران. مجله مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۴ (۱۶)، ۱۷۹-۲۰۳.
- زارع شاه آبادی، اکبر و بنیاد، لیل. (۱۳۹۳). بررسی مؤثر بر نابرابری آموزشی در بین دانش‌آموزان شهر کازرون. مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۴ (۱۳)، ۶۸-۳۹.
- شیرکرمی، جواد و بختیارپور، سعید. (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابریهای در دستیابی به فرصتهای آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱. فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۷ (۲۶)، ۵۸-۴۱.
- کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۸۹). نگرش مردم درباره منزلت مشاغل در ایران و ارزیابی میزان ارتباط آن با ویژگیهای اجتماعی اقتصادی افراد. ماهنامه کار و جامعه، (۱۲۸)، ۴۳-۴۴.
- کچوبیان، حسین و آقاپور، علی. (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی قبل و بعد از انقلاب اسلامی: کند و کاو در نابرابریهای آموزشی در ایران. مجله راهبرد یاس، (۷)، ۱۱۵-۱۵۴.
- کریمیان بستانی، مریم و رجبی، آزیتا. (۱۳۸۹). تحلیل عدالت اجتماعی در شهر با تأکید بر نابرابریهای آموزشی مورد شناسی: شهر زاهدان. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۷ (۲۶)، ۱۰۲-۹۱.

- Baker, W., Sammons, P., Siraj-Blatchford, I., Sylva, K., Melhuish, E. C., & Taggart, B. (2014). Aspirations, education and inequality in England: Insights from the Effective Provision of Pre-school, Primary and Secondary Education Project. *Oxford Review of Education*, 40(5), 525-542.
- Bowman, D. (2010). *Sen and Bourdieu: Understanding inequality*. Social Policy Working Paper No. 14.
- Cheng, S., & Starks, B. (2002). Racial differences in the effects of significant others on students' educational expectations. *Sociology of Education*, 75(4), 306-327.
- Clair, R. St., & Benjamin, A. (2011). Performing desires: The dilemma of aspirations and educational attainment. *British Educational Research Journal*, 37(3), 501-517.
- Dupriez, V., Monseur, C., Van Campenhoudt, M., & Lafontaine, D. (2012). Social inequalities of post-secondary educational aspirations: Influence of social background, school composition and institutional context. *European Educational Research Journal*, 11(4), 504-519.
- Frye, M. (2012). Bright futures in Malawi's new dawn: Educational aspirations as assertions of identity. *American Journal of Sociology*, 117(6), 1565-1624.
- Goyette, K., & Xie, Y. (1999). Educational expectations of Asian American youths: Determinants and ethnic differences. *Sociology of Education*, 72(1), 22-36.
- Guyon, N., & Huillery, E. (2016). *Biased aspirations and social inequality at school: Evidence from French teenagers*. LIEPP Working Paper No. 44.
- Hart, C. S. (2012). *Aspirations, education and social justice: Applying Sen and Bourdieu*. A & C Black.

- Jacob, B. A., & Wilder, T. (2010). *Educational expectations and attainment*. National Bureau of Economic Research.
- Kao, G., & Tienda, M. (1998). Educational aspirations of minority youth. *American Journal of Education*, 106(3), 349-384.
- Khattab, N. (2003). Explaining educational aspirations of minority students: The role of social capital and students' perceptions. *Social Psychology of Education*, 6(4), 283-302.
- _____. (2014). How and when do educational aspirations, expectations and achievement align? *Sociological Research Online*, 19(4), 61-73.
- Kirk, C. M., Lewis, R. K., Scott, A., Wren, D., Nilsen, C., & Colvin, D. Q. (2012). Exploring the educational aspirations-expectations gap in eighth grade students: Implications for educational interventions and school reform. *Educational Studies*, 38(5), 507-519.
- Maxwell, S. P., McNeely, C. L., & Carboni, J. L. (2016). Cultural capital efficacy in parental and student aligned expectations for postsecondary matriculation. *Journal of Education and Human Development*, 5(1), 1-12.
- Mickelson, R. A. (1990). The attitude-achievement paradox among Black adolescents. *Sociology of Education*, 63(1), 44-61.
- Odell, K. S. (1989). Gender differences in the educational and occupational expectations of rural Ohio youth. *Research in Rural Education*, 5(3), 37-41.
- Pasquier-Doumer, L. & Brandon, F. R. (2015). Aspiration failure: A poverty trap for indigenous children in Peru?. *World Development*, 72(C), 208-223.
- Ray, D. (2006). Aspirations, poverty, and economic change. *Understanding Poverty*, 1, 409-421.
- Reed, E. J. (2012). *An examination of the educational aspirations parents have for their children*. (Doctoral dissertation). The University of Iowa.
- Rose, J., & Baird, J. A. (2013). Aspirations and an austerity state: Young people's hopes and goals for the future. *London Review of Education*, 11(2), 157-173.
- St. Clair, R., Kintrea, K., & Houston, M. (2013). Silver bullet or red herring? New evidence on the place of aspirations in education. *Oxford Review of Education*, 39(6), 719-738.
- Thompson, W. M., Janzen, S. A., Magnan, N. P., & Sharma, S. (2015). *Social drivers of aspirations formation and failure in rural Nepal*. Paper presented at 2015 AAEA & WAEA Joint Annual Meeting, July 26-28, San Francisco, California 205757, Agricultural and Applied Economics Association.